

زندگی و شهر: تجدید بناء و نوسازی مناطق و شهرها ،

و کیفیت زندگی درس‌هایی از تجدید بناء و نوسازی
مناطق زلزله زده ایران

۱- درباره مفهوم کیفیت زندگی

"کیفیت زندگی" از مفاهیمی است که اینک برسر زبانها افتاده، بی‌آنکه هنوز تعریف دقیقی پیدا کرده باشد. اما اگر به لحظه‌های تاریخی پیدایش این مفهوم و به زمینه‌های کاربرد جاری آن توجه کنیم، کم و بیش می‌توان تشخیص داد که مقصود از "کیفیت زندگی" چیست.

دقت در وجود کاربرد جاری این مفهوم یک نکته را مسلم می‌دارد و آن اینکه "کیفیت زندگی" بیش از هر چیز، بانوعی "واکنش فکری" بشر در مرحله کنونی تاریخ ارتباط دارد:

واکنش اعتراضی است برضد نوعی تمدن که محدودیت‌های تاریخی آن اینک بیش از پیش آشکار می‌شود. سخن برسر تمدن صنعتی "یا به بیان دقیق تر "الگوی غربی تمدن صنعتی" است. می‌گوئیم "الگوی غربی" زیرا در غرب است که "جامعه صنعتی" به کاملترین حد شکوفائی خود در این مرحله از تاریخ رسیده، وحدای مکانهای تکاملی خود را به کار گرفته است. آشکار شدن فزاینده محدودیت‌های تاریخی این الگوی اجتماعی است که زمینه را برای پیدایش خود آگاهی تازه ای فراهم کرده است.

این "خود آگاهی" تازه بشر، ابعادی گوناگون و پیچیده دارد که بنیادی ترین آنها بعد منابع طبیعی یا بعد "محیط زیست" انسان است. مفهوم "کیفیت زندگی" در واقع بازتابی است از آگاهی تاریخی بشر به "محدودیت‌های رشد" و به جنبه‌های تباهی‌آور "تمدن صنعتی غرب" از لحاظ محیط زیست. روشن شده است که "الگوی غربی جامعه صنعتی" اساساً مبتنی بر جدائی جامعه از طبیعت، دشمنی جامعه با طبیعت است.

در این "الگو"، جامعه قلمرو آدمیان است و طبیعت قلمرو اشیاء. بشر در قلمرو اشیاء، خصلتی استثنائی دارد، و بنابراین جامعه بشری، جامعه ایست ضد اشیاء، ضد طبیعت و مقهور کننده آن. (۱)

فهر و غلبه‌ای، که بدینسان از سوی بشر بر طبیعت و محیط زیست اجتماعی و تحمیل می‌شود زاینده بیماری و شری است که وجدان بشر اینک بر ضد آن برانگیخته شده، و مفهوم ناپرورده "کیفیت زندگی" بازتابی است فکری از این برانگیختگی و اعتراض بشر. آنچه گفته شد، در رابطه با لحظه‌های تاریخی پیدایش مفهوم "کیفیت زندگی" و زمینه‌های کاربرد آن در غرب بود. زیرا، به مصداق سخن هراکلیت، که ضد از ضد بر می‌خیزد، جوانه‌های این خودآگاهی تازه بشر نیز، نخستین بار در غرب و در دامن تباهی‌های "الگوی غربی جامعه صنعتی" سربرآورده است.

اما در شرق، در شرق گوئی مفهوم "کیفیت زندگی" با توجه به موارد و زمینه‌های کاربرد آن، حامل بار معنایی دیگریست. البته در اینجا نیز منشاء اعتراضی این مفهوم و بعد محیطی آن به جای خود باقی است چرا که وجه کاربرد آن قبل از هر چیز ناظر به نوعی اعتراض و نوعی نگرانی عمیق نسبت به سرنوشت محیط طبیعی است: اعتراض بر ضد هجوم قهار شیوه زندگی و تمدن غرب و نگرانی از عواقب تباهی آور آن برای طبیعت، طبیعتی که در شرق، برخلاف بسیاری از مناطق غرب، شکننده تر و آسیب پذیرتر است.

لکن، بار معنایی اصطلاح "کیفیت زندگی" در شرق، بهمین خلاصه نمی‌شود، زیرا، هجوم تمدن غرب، علاوه بر عواقب شناخته شده آن برای محیط زیست، نتایج تباهی آوری در زمینه فرهنگ و سنت‌های فرهنگی نیز دارد. سیلاب تمدن صنعتی در رهگذار خویش به دست آورده‌های تمدن‌ها و فرهنگ‌های گذشته رحم نمی‌کند و با درهم شکستن قالب زندگی، آدمی را نسبت به گذشته خود و نسبت به ابعاد زندگی اجتماعی سنتی خویش بیگانه می‌سازد. به عبارت دیگر، کاربرد مفهوم "کیفیت زندگی" در شرق، علاوه بر آنچه گذشته، گوئی حاکی از قسمی نگرانی نسبت به "هویت ملی" به معنای اصیل کلمه است. اگر گسیختگی ناشی از تاثیر ساخت‌های جامعه صنعتی در غرب، نوعی گسیختگی با گذشته است که فقط در سطح مقایسه جامعه صنعتی و جامعه سنتی طرح شدنی است، در شرق این گسیختگی بیشتر ناظر بر نوعی گسیختگی فرهنگی است که حاصل آن

1- Serge Moscovici. La Societe contre nature, union generale d'Editions, Paris, 1972.

بی شک نوعی "خودگم‌کردگی" و از دست دادن هویت ملی و قومی خواهد بود. اینست زمینه فکری خودآگاهی انسان شرقی در برابر اندیشه‌هایی که مفهوم "کیفیت زندگی" بازتاب مشخصی از آنهاست. خلاصه کنیم:

"کیفیت زندگی" بیان‌کننده نوعی خودآگاهی اعتراض‌آمیز نسبت به جنبه‌های مخرب تمدن صنعتی غرب از لحاظ رابطه ویران‌کننده آن با طبیعت و منسابع محیط زیست است.

مفهوم "کیفیت زندگی" بازتابی است از نگرانی فکری بشر نسبت به نوعی "از خود بیگانگی" فزاینده، و خواست عمیق انسان نسبت به بازیابی وجود اجتماعی خویش در زیست بوم طبیعی خود.

در مفهوم "کیفیت زندگی" نوعی ارزیابی مجدد آنچه انسان در گذشته داشت و آنچه جوامع غیر غربی در برابر هجوم جامعه صنعتی غرب به عنوان حوزه‌های تمدنی و فرهنگی در رابطه اصیل خود با محیط اجتماعی پیرامون خویش دارا بودند و یا دارا هستند نهفته است. به عبارت دیگر، مفهوم کیفیت زندگی، متضمن نوعی رویارویی اکنون با گذشته، از لحاظ جوامع غربی، و رویارویی حوزه‌های تمدن صنعتی غرب با حوزه‌های تمدن غیر غربی، از لحاظ برخورد شرق و غرب است. در نتیجه، هرگاه برخورد به اصطلاح "تجدد" با آنچه فرهنگ موجود یا گذشته نامیده می‌شود در کار باشد، مسأله "کیفیت زندگی" به شدت مطرح خواهد بود.

۲- نوسازی مناطق و شهرها، و کیفیت زندگی

از آنچه گذشت می‌توان نتیجه‌گرفت که حوزه مسائل شهرها و آبادیها، و تجدید بناء یا نوسازی آنها، از اساسی‌ترین و مهمترین حوزه‌های کاربرد و انکشاف در رابطه با مشکل "کیفیت زندگی" است. زیرا از یک سو، شهرها و آبادیها، بستر مادی تمدن، و دربر دارنده قوالب رابطه تاریخی انسان با محیط اجتماعی خویشانند. از سوی دیگر نوسازی یا تجدید بنای شهرها و آبادیها، مسأله برخورد "تجدد" با نظام موجود یا گذشته را به شدت مطرح می‌کند، و در نتیجه به پدیده‌هایی منجر می‌شود که تفکر درباره آنها روشنگر آگاهی انسان نسبت به مشکل "کیفیت زندگی" در معنائی که گذشت خواهد بود.

با توجه به همین ملاحظات است که موضوع "تجدید بناء و نوسازی مناطق زلزله زده خراسان جنوبی" به عنوان زمینه بحث در این مجمع برگزیده شده است. گزارش حاضر مبتنی بر مشاهدات مستقیم و مطالعات متوالی ویی‌گیر اینجانب در

شهر فردوس و روستاهای پیرامون آنست که نتایج کامل آنها به صورت تحلیلی جامعه شناختی از زلزله فردوس و نوسازی این شهر در یک رساله به زبان فرانسه منتشر شده است (۱) .
 بدیهی است یادآوری کلیه جوانب این مطالعه در اینجا مورد ندارد .
 از این روست که مافقط به ذکر چند جنبه که با موضوع " کیفیت زندگی " ارتباط دارند بسنده می کنیم .

۳- زلزله ۱۳۴۷ خراسان جنوبی و مساله نوسازی شهر فردوس

زلزله‌ای که در پایان شهریور ماه ۱۳۴۷ در خراسان جنوبی اتفاق افتاد منطقه وسیعی را از کاخک و دشت بیاض تا فردوس در هم کوبید . شهرک کاخک و شهر فردوس با خاک یکسان شدند و حدود ده هزار نفر از مردم این دو شهر و تعداد زیادی از روستاهای اطراف آنها به هلاکت رسیدند .
 بعد از سازمان یافتن کمک های امدادی و رسیدگی به حال مجروحان و جای گرفتن موقت مردم بیخانمان : مساله تجدید بنا و نوسازی مناطق و شهرهای ویران شده مطرح گردید . می دانیم که با وجود مشارکت گروهائی از مردم (روحانیان ، بازاریان و غیره) ، کمک های امدادی به مناطق زلزله زده معمولاً " بیشتر از طریق دستگاههای دولتی انجام می گیرد بویژه اگر شدن زلزله و دامنه خرابیها چنان باشد که دخالت دولت را اجتناب ناپذیر کند . در مورد فردوس نیز چنین شد ، که با وجود دخالت برخی از گروهها و عوامل غیردولتی ، دولت و دستگاههای وابسته به آن به سرعت به عنوان تنها مرجع مهم در امر نوسازی و تجدید بنا مناطق زلزله زده در برابر خواست های مردم قرار گرفتند .

1- B.Parham, La communauté de production et e appareil d'administration. Enquete sue e'action de la paysannerie et de e'Etat dans la reconstruction et la reuovation de la ville de Ferdous de'trinite par le seisme du premier septembre 1968 au khorassan meridional en Iran . E.P.H .
 E. Paris, Janvier, 1974.

خصوصیت خاص رویداد فردوس از همین جا آغاز می شود. به دلائل متعددی که در اینجا مجال بحث آنها نیست جریانی محلی در فردوس آغاز گردید که منظور آن کوشش برای اعمال مشارکت بیشتر از جانب مردم در امر نوسازی شهر بوده. گروهی کثیر از مردم شهر به رهبری یک شخصیت مذهبی محل فعالیت شدیدی را برای اعلام نظرات خویش به مقامات دولتی و پافشاری در تحقق آنها آغاز کردند. خلاصه این نظرات در اصل بر محور انتخاب محل نوسازی شهر دور می زد که ارزیابی درست آن مستلزم اشاره کوتاهی درباره موقع محلی فردوس و دو آبادی مجاور آنست.

فردوس قبل از زلزله شهر کوچکی بود با حدود یازده هزار نفر جمعیت در جنوب غربی گناباد. در حدود ۵ کیلومتری شمال این شهر، در دوسوی جاده اصلی، دوده کوچک به نامهای بهشت آباد و مقصود آباد قرار داشت که مزارع و باغهای آنها تقریباً متصل بهم بود. قسمت اعظم اراضی کشاورزی و خصوصاً "باغهای میوه فردوس در همین دو ده وجود داشت. این دو ده در واقع در حکم روستاهای بیلاقی بودند که قسمت مهمی از ساکنان شهر فردوس در حدود ۴ تا ۵ ماه از سال را برای سکونت بیلاقی و نیز رسیدگی به امور باغها و مزارع خویش در آنها به سر می بردند.

با طرح مسأله تجدید بنا و نوسازی شهر، افکار عمومی مردم بر سر انتخاب محل جدید شهر به دو گروه متمایز تقسیم گردید: گروهی که رهبری آنان با شخصیت مذهبی محل بود تقاضا داشتند که شهر جدید چند کیلومتر بالاتر در نزدیکی باغها و مزارع بهشت آباد و مقصود آباد ساخته شود. اینان که بیشتر از کسبه و پیشه وران و قشرهای دهقانان و کشاورزان خورده مالک و جمعی از کارگران کشاورزی بودند دلائلی هم برای این انتخاب خود ارائه می دادند. از جمله: بهتر بودن جنس آب و خاک در محل مورد نظر، نزدیکی به باغها و مزارع و محل های فعالیت مردم، خوش آب و هوا بودن محل مورد نظر نسبت به محل شهر قدیمی فردوس و مانند اینها. گروهی دیگر مرکب از خانواده های با نفوذ شهر و برخی از اداریه و مالکانی که در اطراف شهر زمین داشتند، معتقد بودند که شهر جدید می بایست در همان محل قدیمی یا چسبیده به آن بنا شود.

صرف نظر از این مسأله، مردم محل، خصوصاً "طرفداران انتقال شهر به نزدیک باغستانها، خواستار مشارکت در امر نوسازی بودند و آمادگی خود را بطریق مختلف برای همکاری در این زمینه اعلام می داشتند.

موضع گیری دوگانه افکار عمومی شهر در این مسائل، سبب شد که دولت پیش از تصمیم گیری نهائی در مورد تجدید بنا و نوسازی شهر مطالعات بیشتری به عمل آورد.

از جمله مطالعاتی که توسط گروهی از جامعه شناسان و شهرسازان تقریباً " اندکی بعد از وقوع زلزله صورت گرفت و ضمن آن نظرات مردم در مورد محل شهروآبادگی های آنان برای شرکت در امرنوسازی بررسی شد . (۱)

این بررسی ها نشان داد که مردم آماده مشارکت بیشتر در امرنوسازی هستند و ضمناً " اکثریت ساکنان شهر زلزله زده علاقمند به انتقال محل شهر به نزدیکی باغستانها می باشند و از نظرات رهبر محلی پیروی می کنند . (۲)

ذکر تفصیلی دنباله ماجری در اینجا بیفایده است . همینقدر یادآوری کنیم که سرانجام نظر گروه متنفذان محلی غالب آمد و تصمیم گرفته شد شهردر نزدیکی محل قدیم خود بنا شود و کارهای ساختمانی برای نوسازی فردوس در همان محل حدود ۶ ماه پس از وقوع زلزله آغاز گردید . این امر موجب شد که طرفداران انتقال شهر به سمت باغستانها ، محل قدیم فردوس را رها کرده فعالیت خانه سازی و ایجاد آبدی تازه ای را در محل مابین بهشت آباد و مقصودآباد آغاز کردند . در نتیجه دونوع فعالیت شهرسازی همزمان با هم در فردوس جریان داشت ؛ نوسازی دولت در شهرفردوس و خانه سازی و ایجاد آبدی جدید توسط بخش مهمی از ساکنان قبلی شهرفردوس در نزدیک باغستانها . دو سال بعد از زلزله که مطالعات خود را در محل تمام کردیم ، نوسازی دولت در شهر فردوس و فعالیت های عمران و آبدی و ساختمان سازی بخشی از ساکنان فردوس در نزدیک باغستانها تقریباً " به مرحله نهائی خود رسیده و دو شهر با دو آبدی متمایز نیز به وجود آمده بود :

شهرو نوساز فردوس به نام قدیمی خود ، و آبدی جدید بخشی از ساکنان قدیمی فردوس در نزدیکی باغستانها به نام " اسلامیه " .

چنانکه قبلاً گفته شد ، مقصود ما از انتخاب رویداد فردوس بیان تحلیلی کلیه جوانب این مساله از دیدگاه جامعه شناسی نیست . در اینجا فقط می خواهیم بامقایسه شهر نوساز دولت در فردوس و آبدی اسلامیه که به دست اهالی محل ایجاد گردیده ، دو برداشت متفاوت را که با موضوع " کیفیت زندگی " رابطه دارند شرح دهیم و فقط به همین جنبه از مساله اکتفاء خواهیم کرد .

(۱) احمد اشرف ، جامعه و اقتصاد در سکونگاه فردوس ، موسسه مطالعات و تحقیقات

اجتماعی ، بهمن ماه ۱۳۴۷ ، ۲۰۵ ص .

(۲) احمد اشرف ، ایضا " ، ص ۱۲۶ تا ۱۳۸

۴- ویژگیهای اقدام دولت در نوسازی فردوس

چنانکه گفته شد، پیش از شروع نوسازی مطالعات مفصلی از طرف متخصصان جامعه شناسی، شهرسازی و برنامه ریزی در منطقه فردوس انجام شد (۱). یکی از توصیه‌های مهم برنامه ریزان این بود که فعالیت نوسازی در منطقه در جهت تقویت مبانی تولیدی مناطق زلزله زده و احیاء وضع اقتصادی مردم هدایت شود، به نحوی که دولت به جای تصدی مستقیم امرخانه سازی، کوشش‌های خود را در زمینه ایجاد تاسیسات زیربنایی (راهها، خیابانها، موسسات عمومی ۵۰۰) و توسعه منابع تولیدی منطقه (چاهها، قنوات، باغها و اراضی وابسته به شهر و غیره) متمرکز کند.

بعد از اتمام نوسازی، معلوم گردید که تقریباً "بخش اصلی اقدامات دولت ناظر بر تصدی مستقیم امرخانه سازی بوده و قسمت اعظم هزینه های دولتی در همین مورد خرج شده است (۲). چکیده اقدام دولت در نوسازی فردوس در واقع عبارتست از ایجاد یک "شهر" جدید در کنار محل قدیمی فردوس مرکب از چند خیابان و تعدادی ساختمان دولتی که بخشی از آنها به ادارات دولتی اختصاص داده شد و بخش مهم دیگری به سکونت دسته‌ای از مردم محل.

در جدول (۱) آثار کامل ساختمانهای که در پایان آخرین مرحله نوسازی (حدود ۴ سال قبل) در فردوس سرشماری کرده‌ایم خلاصه شده است. این جدول نشان می‌دهد که پس از اتمام نوسازی، شهر جدید فردوس در واقع از سه بخش متمایز تشکیل می‌شده:

ساختمانهای دولتی (هسته مرکزی شهر فردوس)

خانه‌های خصوصی (بخش پیرامونی)

سوله‌های دولتی (اردوگاههای سکونت جمعی) و زاغه‌ها و "کپر‌ها" و چادرها (بخش حاشیه نشینی)

(۱) علاوه بر مطالعه جامعه شناختی - شهرشناختی قبلی، که اشاره شد، گروه سازمان برنامه نیز مطالعات مفصلی در محل انجام دادند که هدفشان بیشتر شناخت استعداد های طبیعی، اقتصادی و اجتماعی محل برای تنظیم برنامه های معقول نوسازی در منطقه بود. نگاه کنید به: مطالعه و پیشنهاد برنامه عمرانی برای مناطق زلزله زده خراسان، سازمان برنامه، شش جلد، مهرماه ۱۳۴۷

(۲) البته تعدادی خیابان، یک بیمارستان، و چند موسسه آموزشی (با کمک مردم) هم ساخته شد.

جدول (۱) انواع ساختمانها و مساکن سرشماری شده در شهر فردوس بعد از نوسازی
(پائیز ۱۳۵۰)

انواع ساختمانها و مساکن	تعداد واحد	درصد
۱ - ساختمانهای دولتی (هسته مرکزی شهر)		
۱-۱ ادارات و موسسات عمومی	۳۸	۵/۱
۱-۲ مغازه و دکان	۱۲	۱/۶
۱-۳ خانههای مسکونی	۷۰۱	۹۳/۳
جمع ساختمانهای دولتی	۷۵۱	۱۰۰/۰
۲ - خانههای خصوصی (بخش پیرامونی)	۲۹۸	۱۰۰/۰
۳ - "سوله" های دولتی (اردوگاههای سکونت جمعی)		
وزاغهها و کپرها و چادرها (بخش حاشیه نشینی)		
۱-۳ اتاقهای جمعی در "سوله" های دولتی	۲۹۶	
۲-۳ کلبههای گلی تخته پاره‌ای	۴۹	
۳-۳ چادر + کلبه	۱۳	
۴-۴ چادر + زاغه زیرزمینی	۱۵	
۵-۳ چادر	۶۲	
۶-۴ زاغه زیرزمینی	۸۰	
جمع مساکن در بخش حاشیه‌ای	۵۱۵	۱۰۰/۰
جمع کل واحدها پس از نوسازی	۱۵۶۴	

فردوس، پیش از زلزله، دارای حدود ۲۳۵۰ واحد مسکونی بود. سه سال پس از زلزله، مجریان نوسازی توانسته‌اند فقط حدود ۷۰۰ خانه در اختیار مردم قرار دهند. بنابراین بخشی از ساکنان بازمانده شهر که استطاعتی داشتند، با استفاده از اعتبارات دولتی، خانه‌هایی برای خود ساختند و باقیمانده خانوارها یا افراد بیخانمان نیز به اردوگاههای سکونت جمعی (هر اتاق چند نفر و غالباً "ناخوشاوند") کشیده شدند یا به زاغه‌ها و کپر‌ها و کلبه‌هایی که خود با امکانات ناچیزی توانستند بر پا کنند پناه بردند. بنابراین شهر جدید، در واقع از لحاظ بافت شهری و ساخت اجتماعی از سه قسمت متمایز تشکیل شد.

هسته مرکزی شهر جدید که توسط دولت ساخته شده، چنانکه خواهیم گفت، از لحاظ شکل خارجی بناها و بافت شهری، با بخش‌های خصوصی که توسط مردم ساخته شده تفاوت بارز دارد، و این هر دو قسمت از بخش حاشیه‌نشینی شهر که از اردوگاههای سکونت جمعی، چادرها، کپر‌ها و زاغه‌ها تشکیل شده و در چهار گوشه شهر پراکنده است بکلی متمایزاند.

بنابراین نخستین نتیجه نوسازی ایجاد گسیختگی کامل در بافت شهری و سیمای خارجی شهر است: هسته مرکزی شهر از بازمانده‌ها عناصر قدیمی آن (مسجد جامع)، چند بنای مذهبی و آب‌انبار، ۵۰۰۰۰۰) کاملاً جدا است. تنها قسمتی از شهر که با عناصر قدیم فضای اجتماعی و فرهنگی شهر رابطه نسبتاً نزدیک و منسجم دارد. همانا بخش خانه‌های خصوصی است که توسط مردم بنا شده است.

از سوی دیگر، بخش‌های سه‌گانه شهر جدید فردوس نیز نسبت به هم از همبستگی و یکپارچگی شهری برخوردار نیستند: بخش خانه‌های خصوصی را قسمتی از ساکنان شهر که دارای استطاعت کافی بوده و توانسته‌اند از اعتبارات دولتی استفاده کنند به تناسب ذوق و سلیقه خود و با توجه به شرایط زندگی محلی بنا کرده‌اند، در بخش مرکزی، دولت خانه‌هایی یکسان و یک شکل با ساخت و بافتی کاملاً متمایز از شرایط محلی ایجاد کرده و در اختیار کارمندان، بخشی از تجار و بازرگانان و کسبه و خرده مالکان قرار داده است. و بالاخره، در بخش‌های حاشیه‌ای، سیمای خارجی شهر پوشیده از اردوگاههای سکونت جمعی، چادرها، کپر‌ها، زاغه‌ها و کلبه‌های گلی و تخته‌پاره‌ای مربوط به مردمان فقیر و درمانده یا پیرزنان و اشخاص بیخانمانی است که از زلزله فقط جان خود را سالم بدر برده‌اند. منظره خارجی شهر بدینسان از هم گسسته و نابسامان است، و این نابسامانی ناشی از تأخیر در اجراء سریع طرحها، ناتوانی از تحقق بخشیدن به کلیه اقدام‌های

پیش بینی شده یا وعده داده شده ، و نارسائی آشکار از لحاظ سازمان دادن به اقدامات نوسازی است .

اطلاعات موجود نشان می دهد که ساکنان قبلی فردوس همگی (به استثنای قشری از کارمندان) دارای خانه و کاشانه شخصی بودند . این خانه ها ، با وجود محقر بودن ، نشانه هویت خانوادگی اشخاص در داخل جامعه شهری بود . حاشیه نشینی و زاغه نشینی ، پدید آمده های مشابه دیگر از لحاظ سکونت ناسالم ، در شهر وجود نداشت و یا اگر هم وجود داشت به صورت مجموعه ای متمایز از دیگر بخشهای مسکونی نبود . در حالیکه جای دادن تعداد مهمی از ساکنان شهر در سکونت گاههای جمعی و پیدایش خوزه های زاغه نشینی و کپر نشینی و مشابه آنها در اطراف این سکونت گاهها بخشی از شهر را ، جدا از قسمت های دیگر ، به صورت حوزه ای ناسالم از لحاظ سکونت فردی و اجتماعی در آورده است . این طرز نهاده شدن و رسمیت یافتن حاشیه نشینی بیمارگون و بسیار ناسالم در چهار گوشه شهر جدید فردوس در واقع عبارتست از پایدار کردن زخم های زلزله بر سیمای اجتماعی و منظره خارجی شهر .

بدیهی است ، چنانکه اشاره شد ، تقسیم بندی مرفولوژیک شهر ، از نوعی منطق دقیق اجتماعی پیروی کرده است . بررسی ویژگیهای اقتصادی - اجتماعی خانوارهای ساکن در محلات شهر نشان می دهد که هسته مرکزی (ساختمانهای دولتی) ، بخش پیرامونی (خانه های خصوصی) و بخشهای حاشیه نشینی در واقع بازتاب دقیقی است از تقسیمات اجتماعی در سطح شهر . این وضع تازه نیز ، نسبت به وضع پیش از زلزله ، خود بدعتی ناگهانی است . در شهر قدیم فردوس ، تقسیمات محلی و ساخت های فضائی شهر ، هرگز تا بدین پایه تابع منطق تقسیمات اجتماعی مردم نبود و شهردر مجموع خود کلیتی هم بسته و یکپارچه داشت .

حال اگر ، نگاه خود را از کلیت خارجی شهر ، به درون خانه ها ببریم و مجموعه های مسکونی را در مقیاس جزء بنگیریم خواهیم دید در اینجا نیز آنچه بر اثر نوسازی پدید آمده برهم زننده اساس زندگی گذشته و درهم شکننده قالب عادی و نظام زیست بومی متعادل است که پیش از زلزله برجیات اجتماعی مردمان شهر حاکم بود .

در فردوس ، پیش از زلزله ، الگوی مسکن از الگوی معیشت محلی تبعیت می کرد . فضای داخلی خانه ، فضائی بود که هر جزء آن به تبع عوامل اقلیمی ، اقتصادی و فرهنگی برای منظوری خاص و نقش موثر سازمان یافته بود . مصالح ساختمانی ، کلفتی و ضخامت دیوارهای بنا و پوشش اندودی پشت بام ها و سطوح جانبی بناها ، انتخاب جبهه بنا و یا

حتی‌الامکان دو سمتی بودن اتاق‌های مسکونی (روبه‌قبله و پشت به قبله) در رابطه با حرکت خورشید از عواملی بودند که به اقتضای محیط خشک و سوزان تابستانی یا اقلیم سرد و پرسوز زمستانی منطقه پاسخگوی نیازهای حیاتی به شمار می‌رفتند . وجود ساخت‌ها و فضاهائی چون حیاط ، زیرزمین و بادگیر نیز کارآمدی عناصر ساختمانی و شکل معماری رادرمقابل با تغییرات و آسیب‌های محیط زیست بیشتر می‌کرد . علاوه براینها ، فضای خانه ، فضائی فقط مصرفی نبود بلکه به نیازهای تولیدی خانوار نیز پاسخ می‌داد : صفا یا ایوان برای قالیبافی ، انبار و مشابه آنها برای ذخیره، فرآورده‌ها ویا لوازم کشاورزی ، طیوله و آخور برای نگهداری حیوانات مفید اهلی، آشپزخانه هائی متناسب با مواد سوختی موجود در دسترس جامعه محلی (هیزم ، بوته ، خارو خاشاک وغیره) .

از سوی دیگر ، با وجود همبستگی و یکپارچگی بافت شهری ، مدخل‌خانه‌ها و گذرها ، دیوارهای بلند حیاط‌ها و جبهه ساختمانها همه از قواعدی دقیق پیروی می‌کرد که حاکم بر مناسبات اجتماعی و رفتارهای فرهنگی شهر نشینان در هرکوی و برزن بود. به عبارت دیگر ساختمان خانه فقط عبارت از بهم برنهادن چند خشت و آجر و مصالح ساختمانی و ایجاد یک چهار دیواری نبود بلکه عبارت بود از پی‌افکندن فضائی کارآمد و متناسب از لحاظ زندگی داخلی و بهنجار و آراسته از لحاظ ارتباط خارجی خانه‌ها با یکدیگر برخورد رفتارها و ارزش‌های فرهنگی جامعه .

بررسی واحدهای مسکونی نوساز شهر نشان می‌دهد که هیچیک از تدابیر فوق در تجدید بناء فردوس رعایت نشده . به نام تامقاوم بودن مصالح محلی (خشت و گل و چوب) به نحوی بی‌رویه از آجر و تیر آهن و فلز استفاده شده است . پوشش خارجی بامها به جای گل آندود که مقاوم در برابر گرما و سرمای محیط است ، غالباً " از قیر است که در برابر حرارت سوزان تابستان به حالت مذاب در می‌آید . دیوارهای جانبی ساختمان‌ها پوششی ندارند و آجرهای دیوار در معرض تابش شدید خورشید و سوز سرمای زمستان حفاظ مستحکمی برای ساکنان داخل خانه نیست علی‌الخصوص که ضخامت دیوارها با توجه به عوامل محیطی آندک است . ارتفاع دیوارها پاسخگوی نیازهای روزانه و فرهنگی ساکنان خانه نیست ، دیوارها در واقع نیمه کاره رها شده‌اند چندانکه بسیاری از ساکنان خانه‌های جدید مجبور شده‌اند خود بتدریج ارتفاع دیوارها را بالا برند . مساحت خانه‌ها در مقایسه با گذشته کاهش محسوس یافته ، و حیاط‌ها ، غالباً " نه‌حوضی دارد و نه پوششی . ساختمان‌ها مرکب‌اند از ۲ تا ۵ اتاق و هر اتاق چیزی نیست جز یک چهار دیواری لخت و فاقد هر نوع عنصر ساختمانی کارآمد مانند طاقچه ، گنجه ، و دیگر عناصر مشابه آنها . از دیگر عناصر ساختمانی متناسب

با پایه‌های تولیدی و اقتصادی ساکنان شهر در داخل خانه‌ها اثری نیست و حتی وسعت خانه‌ها و ساخت جدید آنها به نحوی است که اجازه دستکاری‌های لازم و ایجاد تاسیسات مورد لزوم را هم نمی‌دهد. جالب اینجاست که این نوع دست بردن در ساخت سنتی خانه‌ها و ایجاد نظامی کاملاً "مغایر با آنچه قبلاً" وجود داشت به نام مبارزه با زلزله و ایجاد ساختمانهایی با امنیت بیشتر انجام گرفته است و حال آنکه پی‌ریزی بناها و استحکام ساختمان‌ها بهیچوجه چنین چیزی را توجیه نمی‌کند. چنانکه در اواسط کار نوسازی زلزله‌خیزی مجدداً "در شهر رویداد که بسیاری از دیوارهای ساختمانهای نوساز بر اثر آن شکاف برداشتند. به عبارت دیگر، مشاهده دقیق ساختمانهای نوساز نشان می‌دهد که نوسازی در واقع عبارت بوده است از ایجاد ساختمانهایی کاملاً "مغایر با پایه‌های اجتماعی و اقتصادی، و سنت‌های فرهنگی ساکنان آنها، و الزام‌های طبیعی زیست بوم اجتماعی مردم. این الگوی ساختمانی برای سکونت در واقع الگوی است بیگانه با جامعه محلی که به صورت وصله‌ای ناجور بر یک منطقه چسبانده شده است. شهر در قالب جدید خود هیچ‌نوع "خصلت" مشخصی که نماینده محل و جامعه محلی باشد ندارد، و شبیحی است از دنیائی دیگر که یکشبه بر ساکنان قدیمی فردوس نازل شده است. از دیدگاه جامعه محلی، شهر جدید فردوس، "دیار غربی" است در "بلاد حبیب".

۵- ویژگیهای اقدام جامعه محلی در اسلامیه

چنانکه گفته شد، مرکزآبادی جدید اسلامیه در کنار روستاهای قبلی بهشت آباد و مقصودآباد ایجاد شده. کلیه باغهای منطقه فردوس و بخش مهمی از مزارع آن خصوصاً "مزارع زعفران در این حدود قرار گرفته است. علاوه بر اینها، مردم فردوس، از مدت‌ها پیش به ایجاد چاههای عمیق در این منطقه دست زده و فعالیت وسیعی را در توسعه منابع تولیدی منطقه آغاز کرده بودند. در جدول (۲) تعداد شرکت‌های سهامی آبیاری و میزان سرمایه‌گذاری در این زمینه نشان داده شده است. همان جدول معلوم می‌کند که شش ماه بعد از زلزله، این قبیل اقدامات عمرانی در منطقه تشدید شده و دوچاه عمیق دیگر نیز به وجود آمده است. از آنجاکه اساس معیشت مردم کشاورزی و باغداری است، توسعه منابع آب در واقع از اهمیت حیاتی برخوردار بوده. از این رو پافشاری مردم برای نزدیک کردن محل شهر جدید به آبادیهای مورد بحث در واقع عبارت بوده است از کشاندن مرکز خدماتی و فرهنگی منطقه به نزدیکی مرکز تولیدی و اقتصادی آن و ایجاد ارتباط منطقی-تری مابین این دو بخش. توجه داشته باشیم که توصیه برنامه‌ریزان کشوری در مورد تمرکز

فعالیت های عمرانی و نوسازی در جهت تقویت مبانی تولیدی منطقه براساس همین واقعیت ها قرار داشت .

مطالعات مانشان می دهد که اقدام سازمان یافته جامعه محلی در ایجاد خانه های جدید با مرمت خانه های آسیب دیده آبادیهای بهشت آباد و مقصود آباد و تاسیس مرکز شهری جدیدی به نام " اسلامیة " در کنار این دو ده ، تقریباً سه ماه پس از زلزله آغاز گردیده . اینک می کوشیم با ارائه جداولی چند خطوط متمایز کننده و وجوه مشخصه اقدامات مذکور را در رابطه با " کیفیت زندگی " بررسی کنیم .

نخستین نکته اینست که اقدام جامعه محلی در دو جهت متفاوت پیشرفته است .
الف - ایجاد خانه های فردی توسط خود اشخاص با توجه به نیاز مندیهای خویش
ب - ایجاد مراکز عمومی (زیربنائی ، اقتصادی و تجاری ، فرهنگی و مذهبی ، بهداشتی و درمانی ، ۵۵۵) با مشارکت جمعی همگان .

بنابراین ، برخلاف اقدام دولتی ، جامعه محلی هم خود را در درجه اول مصروف اقدامات اساسی و تاسیسات عمومی محل کرده و خانه سازی را به عهده خود اشخاص گذاشته است .

پیش از بررسی اقدامات عمومی و اجتماعی مردم در ایجاد مرکز شهری محل ، بهتر است نگاهی به چگونگی خانه های ساخته شده بیا فکنیم . کلیه خانه ها در باغ ها قرار دارند و در ساختمان آنها از مصالح ساختمانی محلی (خشت ، آجر ، گل ، چوب و تیر آهن) به تناسب استفاده شده . سقف خانه ها تیر چوبی یا تیر آهن یا طاق ضربی است . معماری خانه ها ، محلی و متناسب با احتیاجات روزانه ساکنان آنهاست . برای نشان دادن این مطلب کافی است به جدول (۳) توجه کنیم . این جدول معلوم میکند که فضای خانه دارای وظائف متفاوتی در زمینه های مسکونی ، کشاورزی ، دامداری و تجاری و حرفه ای است ، زیرا شیوه زندگی ، شیوه ای یک بعدی نیست . کلیه قشرهای اجتماعی دارای فعالیت های چند ارزشی و چندی بعدی هستند . این نکته با توجه به خصوصیات محیط زیست و کمیابی منابع طبیعی و ضعف اساسی پایه های فعالیت اقتصادی ، نکته ای بسیار مهم است . در واقع چند جانبگی ، چند ارزشی بودن یا چند بعدی بودن زندگی پاسخ منطقی و معقولی است که جامعه در طی نسل ها در زیست بوم اجتماعی خویش پیدا کرده است . مسکن ، در حقیقت ، الگوئی ساختمانی است منطبق با همین الگوی اجتماعی معیشت .

مسکن در دامان طبیعت و در کنار منابع مهم طبیعی قرار دارد . قنات معروف بلده که از چند فرسخی شمال به سوی فردوس سرازیر می شود از آبادی میگذرد و مرکز اسلامیة

جدول (۲) شرکت های سهامی آبیاری در اسلامیه

نام چاههای آبیاری و شرکتها					
شرح و مشخصات	امید	تسوکل	قنداب	چمن	برچم
تاریخ نخستین اجتماع سهامداران تاریخ شروع صفای تاریخ شروع بهره برداری قدرت موتورها (اسب) قطر لوله های آبده (اینچ) عمق چاه (متر) کل سرمایه گذاری (۱۰۰۰۰ ریال) قیمت تمام شده هر سهم (ریال)	فوروردین ۳۸ خرداد ۳۸ پائیز ۳۸ ۶ ۹۲	پائیز ۳۸ زمستان ۳۹ فوروردین ۳۹ ۱۲۰ ۶	پائیز ۴۴ فوروردین ۴۵ خرداد ۴۵ ۱۳۸ ۶	زمستان ۴۸ پائیز ۴۹ زمستان ۴۹ ۱۳۵ ۶ ۱۰۲	زمستان ۴۸ فوروردین ۴۹ خرداد ۴۹ ۱۷۶ ۸ ۱۰۸ ۲۵۹۲ ۲۷۰۰۰
قیمت فعلی هر سهم (زمستانی ۱۳۵۰)	۲۵۰۰۰	۲۶۰۰۰ ۹۰۰۰	۱۶۰۰۰	۱۵۳۶ ۱۶۰۰۰	۲۴۰۰۰

شامل دو موتور

درکنارهمین فئات واقع شده. باغها و مزارع همچون پوششی وسیع از فضای سبز، خانهها و آبادی را دربرگرفتهاند. مکان آسایش و محل کار از هم جدانیستند. خانه، هم برای مصرف کردن و آرمیدن است، و هم پایگاهی برای کار و تولید. از این روست که جامعه تا حدود زیادی به خود متکی است و بی نیاز از خارج.

اینک به مرکز "اسلامیه" بنگیریم و اقدامات جمعی مردم را بررسی کنیم. در جدول (۴) خلاصه‌ای از فعالیت های جمعی مردم اسلامیه تا تاریخ مشاهدات ما (حدود ۴ سال قبل) نشان داده شده.

وجه مشخص این اقدامات، مشارکت شورانگیز و سازمان یافته مردم در تحت رهبری محلی است. کلیه اقداماتی که در جدول (۴) آورده‌ایم با مشارکت درمی و قدمی مردم صورت گرفته است (۱). هرکس که نتوانسته پولی، هر قدر ناچیز، بپردازد، با کار خویش در ایجاد تاسیسات عمومی اسلامیه و مرکز خدماتی آن مشارکت کرده است. این نوع مشارکت همگانی، فقط در مورد تاسیسات عام المنفعه نبوده بلکه در ایجاد مراکز اقتصادی و سودآور نیز دقیقاً وجود داشته است. در جدول (۵) میزان مشارکت مردم محل در تاسیس شرکت سهامی بامداد، یعنی مهمترین و فعالترین مرکز اقتصادی و تجاری منطقه فردوس و نسبت سهام گروههای اجتماعی - حرفه‌ای نشان داده شده. پیداست مردم از هر قشر و دسته‌ای در این بنگاه اقتصادی مهم سهیم هستند و از سود آن بهره‌مند می‌شوند. اگر بخواهیم نحوه پیدایش، طرز کارکرد و نحوه اداره و رسیدگی به سود و زیان و نظم و ترتیب حیرت انگیزی را که در این موسسه به چشم می‌خورد، یکایک شرح دهیم از حوصله این مقاله خارج خواهد بود. این موسسه یک دستگاه تعاونی به معنی دقیق کلمه است که مردم به ابتکار خود به وجود آورده و با مشارکت دقیق اداره‌اش می‌کنند.

نکته دیگر اینکه بخش مرکزی اسلامیه از جامعیتی ویژه برخوردار است: عناصر اقتصادی، تجاری، خدماتی، فرهنگی و اجتماعی به نحوی مکمل هم در هسته مرکزی شهر ادغام شده‌اند.

درکنار فروشگاه بزرگ بامداد، مسجد جامع، حسینیه، مراکز آموزشی (دبیرستان و دبستان)، مدرسه دینی و دیگر موسسات تجاری و همگانی ایجاد شده، چندانکه قسمت مرکزی اسلامیه در واقع کانونی است پر جنب و جوش. علاوه بر مراسم مذهبی، جلسات

(۱) البته بعضی از وزارتخانه‌ها و استانداری خراسان نیز در پاره‌ای موارد مهم

(نظیر نیروگاه برق) مشارکت مالی داشته‌اند.

همگانی و عمومی مردم حتی در زمینه رسیدگی به امور اقتصادی نیز (مثلاً "جلسات شرکت بامداد") در مسجد تشکیل می‌شود. عملکرد فروشگاه بامداد فقط منحصر به محل نیست، بلکه حتی از فردوس و آبادیهای اطراف مشتریان زیادی برای فروش کالاهای خود (زعفران، خشکبار، میوه، قالی و غیره) و خرید مایحتاج دیگر به اینجامی‌آیند.

در سیمای خارجی ساختمان‌ها، نحوه آرایش واحدهای متفاوت نسبت به هم، طرز معماری، و خیابان‌ها و راهپهائی که احداث شده، هیچ چیز بیگانه‌ای نسبت به سطح زندگی محلی و محیط پیرامون آن به چشم نمی‌خورد:

شهری‌زیکی تند بر چهره‌های نورس یا ورچروکیده نیست بلکه مظهر تبلور تدریجی فعالیت واقعی مردم در زیست بوم اجتماع خویش است. از این روست که ساکنان شهر خود را در خانه خویش احساس می‌کنند. این همدلی و هماهنگی با محیط اجتماعی از مایه‌های بسیار مهمی است که در بیان حالات و عقاید پاسخگویان فراوان تکرار شده است.

*

اینک بکوشیم با توجه به تفکر مقدماتی درباره مفهوم "کیفیت زندگی" موارد بحث شده را باهم مقایسه کرده، نتایج کلی لازم را استخراج کنیم.

جامعه شهری کنونی غرب بر اثر صنعتی شدن ایجاد شده و شکل گرفته است. صنعتی شدن غرب را طبقه اجتماعی جدیدی که بورژوازی غربی نامیده می‌شود در قالب نظام اجتماعی خاص خود که سرمایه داری است رهبری کرده. تحلیل گرانی که چگونگی پیدایش سرمایه داری را بررسی کرده‌اند، کارآئی (Efficacite) را از اساسی‌ترین ویژگیهای ذاتی این نظام می‌دانند. (۱) این نوع کارآئی، در واقع نتیجه منطقی رفتار زیست که زمینه ذهنی آن عبارتست از جستجوی عقلانی‌ترین راه هماهنگ کردن وسائل با هدف‌ها (۲). اما هدف تمدنی که بورژوازی غربی با چند قرن تلاش و کوشش خود پی‌ریزی کرده است چه بود؟ این هدف در ذات خود عبارتست از جستجوی حداعلا، سودمندی و بهره‌وری اقتصادی، در چارچوب همین هدف است که همه چیز، حتی طبیعت، حتی فرهنگ و آفریده‌های معنوی،

1- Jean Bachellar, L'origine du capitalisme, Gallimaud, Paris, 1972.

(۲) نگاه کنید به تحلیل‌های ویلفرد و پارتو، در:

R. Aron, les Etapes de la pensee sociologique, Gallimaud, Paris, 1968.

3- Henri Lefebure, Le droit a la ville, I, Anthropos, Paris, 1968.

جدول (۳) - میانگین مساحت خانه - باغ ها ، مساحت زیربنا و تقسیمات آن برحسب نحوه استفاده و قشرهای اجتماعی - حرفه‌ای در اسلامیه

تجاری و پیشه‌وری %	توزیع مساحت زیربنای سرانه برحسب نحوه استفاده از فضا			میانگین مساحت زیربنای سرانه (مترمربع)		میانگین مساحت خانه - باغ ها (مترمربع)			قشرهای اجتماعی - حرفه‌ای
	% دماوری %	% کشاورزی %	% مسکونی %	میانگین مساحت زیربنای سرانه (مترمربع)	کل	حیات - باغ		زیربنا	
						کل	باغ		
-	۱۶/۱	۱۶/۱	۶۷/۸	۱۰۰/۰	۳۷۵۰	۳۵۵۰	۲۰۰	بهره‌برداران کشاورزی متوسط	
-	۱۵/۷	۱۶/۷	۶۷/۱	۱۰۰/۰	۳۶۱۵	۲۲۸۵	۱۳۰	دهقانان خرده مالک	
-	۲/۲	۱۶/۰	۸۱/۸	۱۰۰/۰	۲۰۲۰	۱۹۰۰	۱۲۰	کارمندان متوسط جز	
۵/۳	۵/۹	۶/۳	۸۲/۵	۱۰۰/۰	۱۸۶۰	۱۷۶۵	۹۵	کسبه	
۹/۶	۱۲/۷	۸/۳	۶۹/۴	۱۰۰/۰	۱۵۲۵	۱۴۶۰	۶۵	پیشه‌وران	
-	۱۴/۲	۱۴/۲	۷۰/۹	۱۰۰/۰	۱۸۶۰	۱۷۳۰	۱۳۰	دهقانان خرده‌پا و فقیر	
-	۴/۱	۱۴/۶	۸۱/۳	۱۰۰/۰	۱۴۵۰	۱۳۹۰	۶۰	کارگران کشاورزی ویدی (دارای باغ و بدون زمین)	
۵/۸	۱۲/۶	۱۷/۲	۶۴/۴	۱۰۰/۰	-	-	-	جمع	

جدول (۴) فعالیت های عمرانی عمومی انجام شده یا در دست اجراء در اسلامیه فردوس

تاریخ مشاهده		مرحله پیشرفت فعالیت ها	
فروردین ۱۳۴۸	پائیزه ۱۳۵۰	انجام شده	نا تمام و در دست اجراء
فعالیت های عمرانی عمومی			
۱- راهها و خیابان ها			
×	×	×	
×	×	×	
- احداث جویها و جدول بندی کنار خیابانهای اصلی			
- تعیین مسیر یک بولوار در کنار قنات بلده، خرید و خزانه کردن ۶۷۰۰۰ نهال برای کاشتن در بولوار			
۲- بازار تاسیسات تجاری			
×	×	×	
×	×	×	
×	×	×	×
×	×	×	×
- فروشگاه بزرگ بامداد - نانوائی - فروشگاه نفت و بنزین - ساختمان شعبه بانک صادرات			
۳- نیروگاه برق			
×	×	×	
۴- تاسیسات مذهبی و فرهنگی			
×	×	×	×
×	×	×	×
×	×	×	×
×	×	×	×
- مسجد جامع - حسینه - مدرسه دینی - دو دبستان - یک دبیرستان			
۵- تاسیسات درمانی و بهداشتی			
×	×	×	×
×	×	×	×
×	×	×	×
- حمام - حمام - درمانگاه			
۶- تاسیسات تولیدی			
×	×	×	×
×	×	×	×
- دوچاه عمیق - طرح گاوداری متفرق واحداث کارخانه شیر			

جدول (۵) میزان مشارکت در تأسیس فروشگاه بزرگ با مواد در اسلامیه در خانوارهای نمونه

درصد سهام نسبت به کل سهام	میزان مشارکت	درصد نسبت به کل جمعیت	درصد سهامداران فروشگاه با مواد	محل سکونت سهامداران
-	-	-	۸۲/۰	اسلامیه
-	-	-	۸/۵	شهر فردوس
-	-	-	۶/۴	باغستان بالا
-	-	-	۲/۱	حسین آباد و خانکوک
-	-	-	۱۰۰/۰	جمع
قشرهای اجتماعی - حرفه‌ای سهامداران				
۲۳/۰	۱۰۰/۰	۴	-	بهره برداران کشاورزی متوسط
۲۴/۵	۶۲/۵	۱۶	-	دهقانان خرده مالک
۱۶/۹	۵۴/۰	۳۷	-	دهقانان فقیر
۲۶/۹	۲۳/۳	۷	-	کارمندان دولت
۱/۶	۲۰/۰	۵	-	پیشه وران
۵/۵	۳۷/۵	۱۶	-	کسبه
۱/۶	۲۰/۰	۱۵	-	کارگران کشاورزی ویدی
۱۰۰/۰	۲۸/۰	۱۰۰/۰	-	جمع

بشر، ارزش کالائی پیدا کرده‌اند.

از آنجاکه تولید بیشتر به منظور مصرف بیشتر و در نتیجه برای کسب سود بیشتر بوده، ساخته‌های اجتماعی بشر، معصومیت هنری و ارزش کاربردی خویش را در رابطه با زندگی اصیل افراد از دست داده به کالا یا به ارزش مبادله‌ای بدل شده‌اند. شهرهم از این قاعده مستثنی نیست.

صنعتی شدن غربی، با تعمیم ارزش مبادله‌ای به همه چیز و به همه زمینه‌ها، شهرانیز تابع قاعده سود و زیان اقتصادی کرده، و واقعیت اصیل اجتماعی اش را، بدینسان، در ذات خود خراب کرده‌است (۳)، و حال آنکه شهر، بویژه شهر سنتی ایرانی، از دیدگاه مردمی که آن را بنا کرده و در آن زندگی کرده‌اند، اساساً "ارزش کاربردی است و نه مبادله‌ای".

در شهرسازی غربی، محل شهر، اجزاء یا محله‌های شهر و ارتباط آنها با یکدیگر، مرکز شهر و پیرامون آن، ابعاد ساختمانها، کوچه‌ها، خیابانها، گذرها، و میادین، پیوند مجموعه شهری با زیست بوم طبیعی جامعه، و مانند اینها، دیگر محصول رابطه‌های اجتماعی که ناشی از برخورد نیروها در قالب فرهنگ اجتماعی روزمره باشد نیست بلکه نتیجه محاسبات یک "سیستم" است که گوئی در غیاب انسان‌ها و بر فراز سر آنها عمل می‌کند. نوسازی فردوس (و نوسازی بیشتر مناطق زلزله‌زده ایران) در واقع عبارتست از تقلید کورکورانه و ناقصی از شیوه شهرسازی غربی با همه مضار آن منهای عنصر اساسی عملکرد سیستم غربی یعنی عنصر کارآئی.

دیگر اینکه، شهر غربی، این مظهر مجسم جامعه "فراوانی"، محصول سیستمی است که هدف ذاتی اش مصرف روزافزون بدون در نظر گرفتن کشش واقعی منابع طبیعی بود. استعداد های تهاجمی تمدنی که محصول سیستم غربی و در عین حال ابزار بسط سلطه آن به شمار می‌رفت از یک سوء و امکانات گسترده طبیعتی که تمدن مذکور در عرضه آن پدید آمد، از سوی دیگر، تحقق رویای "فراوانی" و در نتیجه "مصرف" روزافزون ویی آنها را در عمل تا حدودی میسر ساخت. اما فرهنگ ایرانی، و تمدن مادی‌ای که بستر آنست، و شهر ایرانی که کانون متراکم این تمدن و فرهنگ به شامی رود، نه آن ابزار سلطه را در مقیاس سیاره زمین در اختیار دارد و نه مبتنی بر طبیعتی بیکران و آسیب ناپذیر است. تمدن ایرانی، برعکس، تمدن کمیابی است، و شهرها و آبادیهای ما، و کیفیت زندگی

مردم ما ، درطول تاریخ ، هم براین اساس سازمان یافته است .
 هوای خوب ، خاک مرغوب ، فضای سبزطبیعی ، و منابع آب جاری یا زیرزمینی ،
 باشهرایرانی پیوندی ناگسستنی داشته‌اند ، و شهرضمن استفاده عقلائی و مطلوب ازاین
 عوامل هرگز براساس مصرف بیرویه آنها و نادیده گرفتن تاثیرهای عناصر طبیعی بر پیکر
 اجتماعی سازمان نمی یافته است .

سرانجام اینکه ، شهرایرانی ، همانندروستای آن ، یک واحد اجتماعی ، یک جماعت
 سازمان یافته در رابطه با امکانات محیط بوده . این اساس جماعتی شهرها و آبادیها ،
 علیرغم سوارشدن عواملی دیوانی ، فئودالی و غیره برآنها ، درطول تاریخ ، درچگونگی
 کارکرد و سازمان شهری متجلی و موثر بوده و می باید موثر باشد .

اداره شهر و گردش زندگی اجتماعی آن هیچگاه بدون دخالت جماعت میسر
 نبوده است و نخواهد بود . این واقعیتی است که درامرنوسازی و تجدید بناء شهرها و
 آبادیها ، یا درامر ایجاد شهرکها و آبادیهای جدید ، باید دقیقاً " مورد توجه قرارگیرد .
 اگر شهر را برای مردم می سازیم باید مردم در طرح و ایجاد آن عملاً " و صمیمانه مشارکت
 داشته باشند .